



## تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۳	تاریخ	۱۴۰۰/۱۱/۲۷
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری				
عنوان ۲	عدل سیاسی				
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی				
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن				
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت				
عنوان ۶	حقوق اقتصادی کودکان				
عنوان ۷	مطلب دوم: جواز تصرف کودکان				

### مرور درس گذشته

اصل مالکیت کودکان را در گذشته مورد بحث قرار دادیم و گفتیم بر اساس آنچه از روایات و بلکه از آیات استفاده می‌شود، کودک، تملک می‌کند و مالک می‌شود؛ آیات ارث و دیگر آیات و همچنین روایات فراوانی که در این زمینه وارد شده، دلالت بر تملک کودکان دارد.

### مطلب دوم: جواز تصرف کودکان

مطلب دومی که امروز بحث می‌کنیم، جواز تصرف کودک در مال خودش است. مراد ما از کودک، کسی است که به سن بلوغ جنسی نرسیده است. بحثی که در اینجا وجود دارد این است که سن بلوغ کودک چیست؟ در گذشته اشاره کردیم که از مجموع آیات و روایات استفاده می‌کنیم که علائم بلوغ در پسران، احتلام، انبات شعریا اکمال ۱۵ سال است و سن بلوغ کودک در دختران، دیدن خون حیض یا اکمال ۱۳ سال است؛ مگر اینکه دختر قبل از این ازدواج کند، و دخول صورت گیرد و سن جواز دخول، اکمال ۹ سالگی است؛ اگر دختری بعد از اکمال ۹ سالگی ازدواج کرد و دخول صورت گرفت، دخول سبب بلوغ جنسی او می‌شود.

از آیه کریمه «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»<sup>۱</sup> استفاده می‌شود که جواز تصرفات صبی، مشروط به دو چیز است: هم بلوغ که می‌فرماید: «بَلَغُوا النِّكَاحَ» که یعنی بلوغ جنسی و نیز علاوه بر آن، رشد عقلی در حدی که بتواند معاملات را به طور متعارف و عقلایی انجام دهد.

روایات فراوانی وجود دارد که با این مضمون آمده که «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ عَشْرَ سِنِينَ جَازَتْ وَصِيَّتُهُ»<sup>۲</sup> و امثال این مضمون؛ که این روایات متعدد، با آیه کریمه فوق در تعارض است. اگر ما از «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» شرطیت بلوغ نکاح را فهمیدیم، که ظاهر نیز چنین است، اگر روایتی وجود داشته باشد که «بَلَغُوا النِّكَاحَ» را از شرطیت بیندازد، قابل عمل کردن نیست؛ مگر اینکه روایات «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ عَشْرَ سِنِينَ» را یا بر این حمل کنیم که در این عشر سنین، عشر سنینی باشد که همراه با علائم بلوغ باشد و یا بر این حمل کنیم که تصرفات او، زیر نظر ولی انجام شود.

حاصل سخن ما این است که ملاک جواز تصرف کودکان و استقلال در تصرف، دو چیز است: بلوغ جنسی و رشد عقلی؛ بنابراین در مطلب دوم به این نتیجه رسیدیم که اجازه تصرفات مالی به کودک، حد دارد و باید این صبی، از صبی بودن خارج شود.

برای ملاحظه روایات این بحث، می‌توانید به وسائل الشیعه، ابواب الوصایا، باب ۴۴ و ۴۵ و نیز ابواب وقوف و الصدقات، باب ۱۵ رجوع کنید.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۱. ویتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید؛ سوره نساء: ۶.

۲. همان؛ باب ۴۴، ح ۳.